

واکاوی مصادیق فساد اقتصادی و تبیین راهکارهای نظارتی مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه

حسین بختیاری*

چکیده

یکی از منابع غنی اسلامی در حوزه عدالتخواهی و تبیین مواضع روشن در برخورد قاطع با فساد و بی‌عدالتی کتاب شریف نهج‌البلاغه است. نهج‌البلاغه دریایی است بی‌کران و ژرف و در عین حال قطره‌ای از اقیانوس بی‌نهایت علوم امیرالمومنین (علیه‌السلام)؛ مذمت فساد مالی و تصرف بیت‌المال از موارد مشهود این کتاب شریف است؛ مواخذه قاطع با ساده‌انگاری در برخورد با بیت‌المال و خیانت در مسئولیت‌های اقتصادی کارگزاران نظام اسلامی و برخورد با متخلفین مشهود است؛ در این پژوهش ضمن مرور مصادیق فساد مالی از نگاه حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام)، مفهوم مفاسد اقتصادی را مبتنی بر محتوای غنی نهج‌البلاغه واکاوی نموده و با احصاء کلیه خطبه‌ها و نامه‌های مرتبط، سازوکارهای نظارتی مقابله با فساد در حوزه پیشگیری و مقابله با فساد ارائه می‌شود؛ راهکارهای اجرایی ارائه شده در این تحقیق می‌تواند مبنای شکل‌گیری زمینه مقابله با فساد مالی در جامعه اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی قرار گیرد. در این پژوهش ضمن احصاء مصادیق فساد مالی و تطبیق آن با عناوین حقوقی جاری کشور، لزوم برخورد با آنها در کلام شریف امیرالمومنین (علیه‌السلام) بررسی شده و نهایتاً راهکارهای سیزده‌گانه‌ای جهت کنترل و مقابله با فساد اقتصادی پیشنهاد شده که می‌تواند سرلوحه سازمان‌های نظارتی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: فساد اقتصادی، عدالت اجتماعی، راهکارهای نظارتی، نهج‌البلاغه

۱. مقدمه

حکومت اسلامی موظف است با انحصار طلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کند و نگذارد عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آن‌ها ستمگران غارتگر و حرام‌خوار در ناز و نعمت به سر ببرند. در کلام امیرالمومنین (ع) علت قبول حکومت توسط ایشان این است که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن‌ها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۷)؛ حکومت تقریباً پنج ساله حضرت امیر (علیه السلام) نمونه‌ای ماندگار از نظام سیاسی اسلام و شیوه زمامداری مبتنی بر دین و عدالت و آزادی را به بشریت ارائه داد که می‌توان با واکاوی بایسته و سنجیده آن، رهیافت‌هایی مطلوب را برای مدیریت جامعه در دنیای کنونی به دست آورد (ثواقب، ۱۳۹۱: ۱).

فساد مالی و اقتصادی همواره از جمله آسیب‌های مخرب بر پیکره حکومت‌ها و دولت‌ها بوده و پایه‌های حکومت را متزلزل می‌سازد؛ این پدیده شوم، ضمن ایجاد ناامیدی در مردم منجر به ایجاد شکاف بین مردم و دولت شده و تأثیرات مستقیم بر متغیرهای ثبات و پایداری نظام اسلامی خواهد شد لذا لزوم پرداختن به موضوع فساد مالی و تبیین سازوکارهای نظارتی برخورد با آن اهمیت زیادی دارد.

طراحی سیستم نظارتی و تبیین مولفه‌های آن، برای شناسایی و برخورد با مفسد اقتصادی مسأله‌ای اساسی در حکومت اسلامی می‌باشد که پیش‌نیاز آن احصاء انواع و مصادیق مفسد اقتصادی است؛ بنابراین مسأله‌ای که در این تحقیق به آن پرداخت شده است، چپستی انواع و احصاء مصادیق مفسد اقتصادی و راهکارهای نظارتی مقابله با آن می‌باشد. در این مقاله مبتنی بر محتوای غنی نهج البلاغه، مصادیق مفسد اقتصادی احصاء شده و سپس راهکارهای پیشنهادی در کلام حضرت امیر (ع) برای کنترل و رفع این پدیده شوم در مصادیق مختلفش ارائه می‌شود.

۲. تعریف فساد اقتصادی و شیوه‌های کنترل آن

با وجود تعاریف بیشماری که در متون و مستندات مربوط به فساد مالی به چشم می‌خورد، انتخاب یک تعریف جامع و مانع در این موضوع چندان آسان نیست. بیشتر پژوهشگران،

فساد مالی را به عنوان یک رابطه خاص حکومت- جامعه تعریف کرده و بین فساد سیاسی و فساد اداری و نیز فساد کارکردی و فساد ناکارکردی تفاوت قایل می شوند. فساد مالی به طور متعارف، رفتار نفع طلبانه شخصی است که به عنوان یک مأمور یا مقام دولتی عمل می کند. همچنین تعریف کارکردی فساد مالی که توسط بانک جهانی، سازمان بین المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارایه شده عبارتست از سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی. (صادقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۱۱)

در تعریفی کلی تر می توان گفت فساد اداری به رفتار آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می شود که برای دستیابی به منافع شخصی و غیرسازمانی، قوانین و عرف پذیرفته شده را نادیده می گیرند. (فرهادی نژاد و لگزیان، ۱۳۹۰)

به نظر می رسد که ترکیب مناسبی از نظارت و تنبیه می تواند به کنترل فساد کمک کند. رویکرد نوینی که در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است، مشارکت اعضای جامعه در سطح محلی بر عملکرد واحدهای دولتی است. از سویی، با توجه به نقش ویژه کیفیت و کمیت قوانین در بروز فساد، برخی کارشناسان معتقدند مجموعه ای از قوانین و مقررات کارآمد می تواند کمک قابل توجهی به کاهش فساد نماید. در واقع، بسیاری از برنامه های مبارزه با فساد بر مبنای نهادهای قانونی و مالی از جمله سیستم قضایی، پلیس و دستگاه های نظارتی مالی، طراحی می شوند. در این رویکرد فرض بر این است که اجرای بهتر قوانین و مقررات منجر به کاهش میزان فساد خواهد شد. اما مسأله این است که موسسه های مالی و نظارتی، مخصوصاً در کشورهای فقیر، در انجام وظایف خود ناتوان هستند و خود نیز عمدتاً از فساد رنج می برند. یکی دیگر از ابزارهای کنترل فساد، رسانه ها هستند. رسانه های آزاد، مستقل و متعهد می توانند نقش مهمی در کنترل فساد ایفا کنند. (فرهادی نژاد و لگزیان، ۱۳۹۰)

اثربخشی روش های مقابله با فساد، بر مبنای شرایط هر کشور، متفاوت خواهد بود. برای نمونه، در مطالعه ای اثربخشی روش های مقابله با فساد با توجه به سطح درآمد کشورها بررسی شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است: (فرهادی نژاد و لگزیان، ۱۳۹۰)

جدول ۱. رتبه‌بندی روش‌های مبارزه با فساد در کشورهای پردرآمد و کم درآمد

رتبه در کشورهای کم درآمد	رتبه در کشورهای پردرآمد	روش مبارزه
۴	۱	تعهد هر چه بیشتر سیاستمداران
۱	۲	کنترل و نظارت داخلی
۲	۳	شفافیت منابع مالی احزاب
۸	۴	الگو بودن مدیران عالی رتبه
۱۰	۵	تغییر نگرش کارکنان دولت
۶	۶	مبارزه با جرایم سازمان یافته
۹	۷	شفافیت هرچه بیشتر فعالیت های دولت
۵	۸	ایجاد موسسات مستقل
۳	۹	انتخاب دقیق تر کارکنان دولت
۷	۱۰	منطقی بودن سطح زندگی کارکنان دولت

۳. شناسایی مصادیق مفاصد اقتصادی مبتنی بر نهج البلاغه

در این بخش با مرور متن و شروح نهج البلاغه یک تقسیم بندی از مفاصد اقتصادی ارائه شده است.

۱.۳ رانت جویی و امتیازطلبی

رانت در ساده ترین معنا، سوء استفاده از فرصت ها و امکانات جامعه است. رانت به ثروت بادآورده و به هر پرداختی گفته می شود که بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت باشد. و رانت جویی عبارت است از جست و جو برای دست یافتن به این درآمد مازاد. (اسحاقی، ۱۳۸۴).

رانت خوارها با استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی شان یا از طریق آشنایانی که صاحب این نفوذ هستند به صورت غیرقانونی به منابع مالی دست پیدا می کنند و به کسب ثروت می پردازند. (میلانی و حبیبی، ۱۳۹۵)

در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه ضمن تأکید بر حراست از بیت المال، امتیازخواهی نزدیکان نفی می شود.

حضرت امیر(ع) در این می فرمایند:

به خدا سوگند [برادرم] عقیل را در نهایت تهیدستی دیدم که یک من از گندم شما را می خواهد تا به او بدهم. کودکانش را با موهای غبارآلود و رنگ های تیره از فقر دیدم، چنانکه گویی رخسارشان را با نیل [=ماده ای است که با آن رنگ می کنند] سیاه کرده بودند. عقیل چند بار نزد من آمد و خواسته اش را برایم مکرر بازگفت، و من همچنان به او گوش می دادم، چندان که او پنداشت که دینم را به او می فروشم، و از روش خود کناره می گیرم و به خواسته او تن می دهم. در این هنگام آهن پاره ای را در آتش گذاختم، و به جسم او نزدیک ساختم تا از آن پند گیرد. عقیل همانند بیماری از حرارت آن فریاد برآورد و ناله کرد و نزدیک بود از آن آهن گداخته بسوزد. به او گفتم ای عقیل! مادران داغدار بر تو گریه کنند، آیا تو از گرمای آهن پاره ای که انسانی آن را به شوخی گداخته ناله می زنی و فریاد میکشی، اما مرا به سوی آتشی می کشانی که خدای جبار به خشم خود فروخته است؟ تو از این درد اندک ناله می زنی و من از آتش سوزنده دوزخ ناله زنم؟

به گفته بعضی از شارحان نهج البلاغه این خطبه را زمانی علی (علیه السلام) بیان فرمودند که بعضی از اطرافیان به آن حضرت خرده گرفتند که معاویه در سایه بذل و بخشش فراوان از بیت المال افراد را به سوی خود جذب می کند و چه خوب بود که شما هم از سختگیری در امر بیت المال می کاستی و افراد سرکش را راضی نگه می داشتی. امام (علیه السلام) برآشفته و این سخن را ایراد کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰)

بنابراین هیچ یک از علل سه گانه برادری، فقر شدید و مستحق بودن فقیر از بیت المال، نتواند امام را وادار کند که خواسته او یا حد اقل جزئی از آن را تامین کند. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۰)

۲.۳ ارتشا

در تعریف رشوه گفته شده است: رشوه دادن مالی است به مامور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی بمنظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضائی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد. خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند و یا بواسطه شخصی دیگر آن را بگیرد (این شخص واسطه را در فقه رایش گویند و دهنده مال را راشی نامند و گیرنده مال را مرتشی خوانند) فرقی نمی کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن

رشوه گرفته داشته باشد یا خیر و فرقی نمی‌کند که کاری که برای راشی باید انجام شود حق او باشد یا نباشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰)

در ادامه خطبه ۲۲۴ به مذمت دریافت و پرداخت رشوه اشاره شده و ماجرای اشعث بن قیس تبیین می‌شود که شبی که قرار بود فردای آن به پرونده او رسیدگی شود، ظرفی از حلوا برای امام (علیه السلام) آورده بود.

شگفت‌تر از این داستان آن مردی است که در تاریکی شب با ظرفی سر بسته به دیدارم آمد. معجونی در آن ظرف بود که من آن را خوش نداشتم و نمی‌خواستم، گویی آن را با آب دهان مار یا زهر کشنده ای که از مار بیرون می‌آید آمیخته بودند. به او گفتم: این صله است یا زکات یا صدقه؟ هر کدام که باشد بر ما اهل بیت حرام است. او گفت: هیچ یک از این‌ها نیست، بلکه هدیه است. گفتم مادرت به عزایت بنشیند آمده ای از راه دین خدا مرا بفریبی؟ آیا در خردت نقصانی پدید آمده، یا دیوانه ای یا یاوه می‌سرایی؟ به خدا سوگند اگر همه هفت اقلیم عالم را و هر چه در زیر آسمان است به من دهند، تا خداوند را به اندازه ربودن پوست جوی از دهان مورچه‌ای معصیت کنم چنین نخواهم کرد. دنیای شما در نظر من از برگی که یک ملخ آن را در دهان خود می‌جود بی ارزش تر است. علی را با نعمت‌های ناپایدار و لذت‌های بی‌دوام چه کار؟ از خوابیدن عقل و زشتی لغزش به خدا پناه می‌برم، و از او یاری می‌جویم.

بسیارند کسانی که مبالغه کوچک و متوسط رشوه آنها را تکان نمی‌دهد؛ ولی اگر امتیاز مهمی برای آنها قائل شوند که معادل تمام زندگی آنان یا بیشتر باشد دست و پایشان می‌لرزد و می‌لغزند. چه کسی می‌تواند ادعا کند که در هیچ حدی از گرفتن امتیاز در برابر هیچ حدی از کمترین کار خلاف گرفتار لغزش نخواهد شد؟ امام می‌فرماید: من آن شخص هستم و حتی صریحاً سوگند بر آن یاد می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰)

۳.۳ زمین خواری

از جمله مصادیق بارز دست اندازی به انفال، زمین خواری می‌باشد که در زمان حاضر مصادیق متعددی همچون زمین خواری و سوءاستفاده از منابع ملی و طبیعی، جنگل‌خواری، رودخانه خواری و کوه خواری را نیز پیدا کرده است و از جمله مفاسد کلان اقتصادی است که منجر به افزایش سرمایه‌های نامشروع مفسدین شده است؛

زمین خواری عبارتست از: مجموعه اقدامات غیر قانونی نسبت به اراضی ملی و دولتی که در نهایت منجر به تصاحب غیرقانونی و تغییر غیر مجاز کاربری اراضی مذکور می‌گردد. (میرمحمد صادقی و رجبعلی، ۱۳۹۶)

برخورد قاطع با زمین خواری از جمله درس های آموزنده از نهج البلاغه است؛ حضرت (علیه السلام) راجع به قطایع عثمان، یعنی اراضی که متعلق به عامه مسلمین است و عثمان آن ها را در تیول اشخاص قرار داده بود، فرمودند: "والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به المأة لرددته" به خدا قسم زمین هایی که متعلق به عامه مسلمین است و عثمان به این و آن داده پس خواهیم گرفت هر چند آن ها را مهر زنانشان قرار داده باشند یا با آن ها کنیزگانی خریده باشند.

قطائع عبارت از زمینهای متعلق به بیت المال است که از آن خراج می گیرند، امام می تواند آن را به برخی از افراد رعیت واگذارد و معمولاً خراج را از آن بر می داشته و درصد اندکی به عوض خراج از آن می گرفته اند. عثمان به گروه بسیاری از بنی امیه و دیگر یاران و دوستان خود قطائع فراوان از سرزمینهای دارای خراج را به این صورت واگذار کرد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۴)

۴.۳ اختلاس

اختلاس به برداشت غیر قانونی اموال دولتی یا غیردولتی که توسط کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت انجام می‌گیرد، گفته می‌شود. همچنین تعریف اختلاس در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری عبارتست از: هر یک از کارمندان ادارات و سازمانها و یا شوراها و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموریت به خدمات عمومی اعم از رسمی و یا غیررسمی وجوه و مطالبات یا حوالهها یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار و سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب می‌شوند. (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۶۷)

برخورد قاطع با این نوع سوء استفاده از بیت المال نیز در نهج البلاغه مشخص است؛ حضرت (علیه السلام) در نامه ای به یکی از کارگزارانش (برخی مخاطب این نامه را عبدالله بن عباس و برخی برادرش عبیدالله بن عباس دانسته اند) ضمن مواخذه ایشان به دلیل غارتگری اموال بیت المال و بردن آن به حجاز می فرماید: (نامه ۴۱)

وای بر تو گویی میراث رسیده از پدر و مادرت را برای خانواده ات می بری. سبحان الله آیا به قیامت ایمان نداری؟ یا از حسابرسی خدا باکی نداری؟ ای کسی که نزد ما از خردمندان شمرده می شدی، چگونه این آشامیدن و خوردن را برای خود گوارا می شماری در حالیکه می دانی لقمه ای حرام می خوری و جرعه ای حرام می نوشی؟ از مال یتیمان و مستمندان و مومنان مجاهدی که خداوند این اموال را به آنان بخشیده و توسط آنان این شهرها را محفوظ داشته، کنیزها می خری و با زنان ازدواج می کنی؟ از خدا بترس و اموال این مردم را به سویشان بازگردان، که اگر چنین نکنی و خداوند مرا بر تو چیره سازد، با تو کاری خواهم کرد که نزد خداوند عذرخواه من گردد و با شمشیرم که هر کس را با آن زدم در آتش شد، گردنت را می زنم.

۵.۳ تبعیض در ارائه تسهیلات و امکانات

یکی از نقاط ضعف اساسی دولت ها که در میان برخی مسئولین دولتی در هر کشوری رواج دارد، تبعیض در ارائه تسهیلات و امکانات می باشد؛ واگذاری قراردادها و مناقصات و مزایده ها به نزدیکان و بستگان خود یا دادن اطلاعات به آن ها جهت برنده شدن در مناقصات، ارائه امتیازات، تسهیلات، وام ها، منازل سازمانی به نزدیکان نیز از مصادیق بارز این بی عدالتی است؛ تبعیض در دستگاه های اجرایی ضمن کاهش انگیزه افراد سالم و عدالتخواه هم در دستگاه مربوطه و هم در بخش خصوصی، برخی رویه های سازمانی همچون اجرای مناقصات و مزایده ها را ناکارآمد می سازد.

حضرت امیر (علیه السلام) در نامه ۴۳ تقسیم غنائم میان بستگان را سرزنش کرده و کارگزار خود را مواخذه می نماید. در این نامه خطاب به کارگزار امام (علیه السلام) در اردشیر خرّه (فیروزآباد) اینگونه بیان می دارند: "با خبر شدم از کاری که اگر کرده باشی خدایت را به خشم آورده و پیشوایت را غضبناک نموده ای. تو غنائم مسلمانان را که از نیزه ها و اسب های آنان گرد آمده و خونشان بر سر آن بر زمین ریخته در میان بادیه نشینان

قبیله خودت که تو را بر گزیده اند تقسیم می کنی! سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید اگر این خبر حقیقت داشته باشد، منزلت خود را نزد من کاسته ای و کفه اعتبارت را سبک کرده ای. پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را به بهای نابودی دینت آباد مساز که از زیانکارترین کسان خواهی بود. آگاه باش که حق مسلمانانی که نزد تو و ما هستند از تقسیم غنیمت برابر است. آنان برای گرفتن سهم خود نزد من می آیند (سهم خویش را می گیرند) و می روند.

۶.۳ استفاده ابزاری از بیت‌المال و عدم اجرای عدالت اقتصادی

هنگامیکه به امیرالمومنین (ع) گفتند که مردم به دنیا دل بسته اند، معاویه با هدایا و پول های فراوان آن ها را جذب می کند شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردار، تا به تو گرایش پیدا کنند حضرت (ع) با ارائه نکاتی از عدالت اقتصادی و برخورداری مساوی مردم از بیت المال به شدت بر اجرای عدالت اقتصادی تأکید نمودند که در خطبه ۱۲۶ مورد توجه است (مهذوی دامغانی، ۱۳۷۹) خطبه عبارتست از: "آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن ها ولایت دارد، استفاده کنم؟ به خدا سوگند، تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می کنند. هرگز چنین کاری نخواهم کرد، اگر این اموال از خودم بود به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست. آگاه باشد بخشیدن مال به آن ها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد اما در آخرت پست خواهد کرد. در میان مردم ممکن است گرامی اش بدانند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. کسی مالش را در راهی که خدا اجازه فرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آنکه خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستی آن ها را متوجه دیگری ساخت. پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد بدترین رفیق و سرزنش کننده ترین دوست خواهند بود." در این خطبه طرد تفکر ماکیاولیسم که می گوید هدف وسیله را توجیه می کند نیز مشهود است.

۴. راهکارهای نظارتی مقابله با فساد اقتصادی

با توجه به احصاء مصادیق متعدد فساد اقتصادی در بخش گذشته، در این بخش ضمن مروری بر مفهوم کنترل و نظارت و جایگاه آن در وظایف و استراتژی‌های مدیریت، به راهکارهای نظارتی جهت رفع فساد اقتصادی هم در حوزه پیشگیری و هم در حوزه مقابله‌ای با تأکید بر آموزه‌های رفیع نهج البلاغه پرداخته می‌شود.

مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. (رضائیان، ۱۳۸۳) تعریف مدیریت، پنج قضیه اساسی که زیربنای مفاهیم کلی نظری و عملی (فنی) مدیریت است دربردارد که یکی از این مفاهیم کلیدی، کنترل و نظارت می‌باشد (رضائیان، ۱۳۸۹)

اصولاً مسأله کنترل به قضیه ارزیابی بر می‌گردد. به عبارت دیگر، کنترل، ارزیابی برای تعیین مقدار تغییر و میزان انحراف از استاندارد یا موارد از پیش تعیین شده است. کنترل لازمه دقت فرآیند است و دلالت دارد به برقرار نظم در اجزای سیستم برای اصلاح فرآیند و تطبیق با استاندارد. (تسلیمی، ۱۳۷۸) ارزیابی عملکرد کارکنان فرآیندی بسیار مهم و از حساس‌ترین مسائلی است که مسئولان سازمان با آن روبرو هستند. (سعادت، ۱۳۸۳)

فرآیندهای کنترل به محدود کردن رفتارهای سلیقه‌ای شخصی کمک می‌کند و آن‌ها را با طرح عقلایی سازمان منطبق نگه می‌دارد. (هچ، ۱۳۸۷) وجود کنترل و بازخورد منجر به جرح و تعدیل سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی اتخاذ شده می‌شود.

اهمیت نظارت و کنترل در برخی نظریات مدیریتی نیز به خوبی خود را نشان می‌دهد. مدیریت علمی تیلور با تأکیدی که بر روش و تطابق با استانداردهایی که به طور علمی تعیین شده دارد اوج پیروزی کنترل مداری را در نظریه اداری نشان می‌دهد. (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۶)

در زمان امام علی (علیه السلام) دیوان‌های احتساب یا دایره احتساب وجود داشتند که بعدها به شعب مختلفی همچون دیوان خراج (جزیه و مالیات)، دیوان زمام (محاسبات لشکری)، دیوان نفقه (محاسبات کشوری)، دیوان معادن و اقطاع املاک دولت‌ها و معدن‌ها و دیوان جند (مخصوص ثبت اسامی لشکریان و درجات آنان) تقسیم شدند. (شمس، ۱۳۸۱)

اجرای بهینه نظارت و کنترل در نظام اسلامی، تأثیر بسزایی در کاهش مفاسد اقتصادی دارد؛ در ادامه راهکارهای استنباط شده از شروح نهج البلاغه در موضوع مقابله با پدیده فساد اقتصادی که هم در حوزه پیشگیری و هم در حوزه مقابله با این پدیده می باشد تبیین می گردد؛ با بهره گیری از آموزه های نهج البلاغه می توان راهکارهایی را هم در حوزه پیشگیری که ناظر بر اقدامات نرم افزاری پیش از وقوع فساد است و هم راهکارهایی را در حوزه مقابله با فساد که ناظر بر برخورد با متخلفین پس از بروز آن است احصا نمود. در این بخش این راهکارها سیزده گانه ارائه می شود؛

۱.۴ توجه به اصل شایسته سالاری در انتصابات

انتخاب و انتصاب مسئولین رده های مختلف اداری و اجرایی، یکی از مسایل مهم و ضروری و از وظایف خطیر حکومت اسلامی است؛ چراکه مهمترین عامل داوم یک نظام و حکومت، فرزندی و شایستگی مسئولین و کارگزاران آن نظام می باشد. (موسی زاده و عدلی، ۱۳۸۸).

شایسته سالاری بهره گیری از انرژی خلاق افراد نخبه و برگزیده اجتماع است. حضرت علی (علیه السلام) مسئله توان، لیاقت و شایستگی افراد را جزیی از بحث عدالت می داند و این اصل را مهمترین اصل اداره جوامع قرار داده، معتقدند که هر پستی به تناسب، به توان، خلاقیت، شایستگی و تخصص خاصی نیاز دارد و جایز نیست افراد هر کدام به جای دیگری قرار گیرند. (مهدی نصر اصفهانی و علی نصر اصفهانی، ۱۳۸۹)

معیارهای اصلی شایسته سالاری در نهج البلاغه به شرح جدول ذیل می باشد. (موسی زاده و عدلی، ۱۳۸۸)

جدول ۲. معیارهای شایسته‌سالاری در نهج البلاغه

معیار	خطبه‌ها	نامه‌ها	حکمت‌ها
معیارهای ایدئولوژیک			
تقوا	-62-27-24-16-4 -132 - 113-75-63 -181-172 - 160-156 -187-186 -184- 182 -232-230 -221-189 233	۵۳-۴۷-۳۱-27-26-25	233 -201-109 -336 - 402-363 -332
ایمان	-156 -155-102-2 231- 175	۵۳-۳۱	-217-109-30 -450- 252
اعتقاد به آخرت و روزحساب	-52 -45-42-41-28 -84 - 82-81-63-62 -195-187 - 186-152 233 -232-212	-27-21-10-3 59-48- ۳۱۴-	
اندیشناکی در باب مرگ	-98-86-75-38-2 230-156 -108-102	۶۹-31 -27-10	
عدم تعلق به دنیا	-63 -62-45-42-32 -102 - 98-82-81-80 -172-159- ۱۵۲-133-14	۳۱-۳-68-49-47-	-128 -116-100 407
یاد خدا و استعانت و بندگی او را نمودن	172-109	53--46 -31	
معیارهای زمینه‌ساز			
حسن سابقه		۱۰-۵۳	
پاکی و صلاحیت خانوادگی		۷۱-۱۷-۵۳	
معیارهای تخصصی			
عبرت از پیشینیان	-102-98-84-32 -182-175- 234-232--160-159 223--21	۵۳-۳۱	359-289-30
تجربه کاری		۵۳	

۲.۴ خودکنترلی

در منابع دینی و آموزه‌های اسلامی، تاکید فراوانی بر مسئله نظارت انسان بر اعمال و رفتار خویش و به عبارت دیگر، «خودکنترلی» شده است. با خودکنترلی عوامل انگیزشی ارتکاب فساد رفع می‌شود به عبارت دیگر با روانشناسی مفسدین اقتصادی مشخص می‌شود حرص و طمع از مهمترین عوامل درونی سوق پیدا کردن به فساد اقتصادی می‌باشد بنابراین با نظارت درونی و خودکنترلی می‌توان عوامل درونی ارتکاب فساد را از وجود انسان ریشه کن کرد.

امیر مؤمنان حضرت امام علی(ع) در تبیین این اصل مهم دینی می‌فرماید: *اجعل من نفسک علی نفسک رقیباً؛ از خودت مراقبی بر خویشتن قرار بده!* (آمدی، ۱۳۶۶) در عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) ضرورت خودسازی در طلیعه این نامه جای دارد و ضرورت پرداختن به تقوا و مقدم داشتن طاعت خدا بر هر کاری و پیروی از آنچه خداوند در کتاب خود بدان فرمان داده از واجبات و سنت‌های خود مورد توجه قرار گرفته‌است.

تاکید حضرت علی(ع) در این بیان نورانی بر این نکته است که اعمال و رفتار انسان باید همواره تحت نظارت خودش باشد و خود، عملکردش را کنترل نماید. (خدمتی، ۱۳۷۹). در نهج البلاغه از جمله کلماتی که بسیار روی آن تأکید شده است کلمه تقواست. تقوا به معنای خودنگهداری می‌باشد و همان ضبط نفس است و منظور از متقین خودنگهداران می‌باشد. (مطهری، ۱۳۵۶).

۳.۴ استفاده از عوامل انسانی و عیون

حضرت (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر، در بخشی که سیمای کارگزاران دولتی را ترسیم می‌نمایند به لزوم و اهمیت استفاده از عیون و عوامل انسانی در جمع‌آوری اطلاعات از کارگزاران تأکید دارند:

سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفایه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خواردار، و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.

در این عبارات ضمن دستور به نظارت پنهانی، حضرت فواید این امر مهم را بر شمرده و می‌فرمایند این عمل موجب رعایت امانت و مدارا با زیردستان می‌شود. مفهوم این جملات آن است که اگر عملکرد مسئولان کنترل نشود امکان خیانت و ظلم به زیردستان وجود دارد.

۴.۴ تنبیه و مجازات

امام علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر به او فرمان می‌دهد با کارگزاران خائن برخورد جلی صورت گیرد و صرفاً با عزل به پایان نرسد:

از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کردند، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه را که از اموال در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خوار دار و خیانت کار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن (فلاح سلوک‌الایی، ۱۳۸۴)

بدون تردید در نظامی که بر پایه عدالت بنا نهاده شده است. قدردانی از نیکوکار و مجازات خلافکار امری ضروری و بایسته است. بر این اساس، امیرالمومنین (علیه السلام) در سفارش به مالک اشتر بر این اصل مدیریتی توجه داده و فرموده اند: "[و نباید] نیکوکار و بدکار در برابرت یکسان باشند، که این کار نیکوکار را در انجام کار نیک بی رغبت، و بدکار را در بدی ترغیب می‌کند."

۵.۴ عزل و جابه‌جایی کارگزاران

حضرت علی (علیه السلام) هرگاه فردی را برای انجام مسئولیتی برمی‌گزید، طی فرمانی، وظایف او را به طور دقیق مشخص می‌نمود و از کوتاهی و خیانت در انجام امور بیم می‌داد و بدینوسیله، امکان هرگونه بهانه جویی را سلب می‌نمود. سیاست حضرت علی (علیه السلام) در برابر کارگزارانش، سیاست پیش‌گیری از جرم است. از این‌رو، تمام شرایط پیش‌گیری (گزینش، مشخص کردن وظایف، تأمین مالی و بازرسی دقیق) را به کار می‌گیرد. حال اگر با تمام این شرایط، کسی تخلفی کرد، روشن است که دیگر هیچ بهانه‌ای برای عدم برخورد با او وجود ندارد. (فلاح سلوک‌الایی، ۱۳۸۴)

یکی از کارهای مهمی که امام علی علیه السلام انجام داد، تصفیه و عزل کارگزاران فاسد عثمان و برکنار نمودن آنان است؛ چرا که آنها مرتکب جنایات زیادی شده، قادر نبودند فرمان‌های حضرت و سیاست و سیره علوی را در جامعه اجرا نمایند، و در مقابل، افراد شایسته، صادق، کاردان، لایق، توانمند و سیاستمدار را به عنوان استاندار و کارگزار، به استان‌ها و شهرهای اسلامی اعزام نمود و از آن جمله، عثمان بن حنیف را به حکومت

بصره، عمار بن شهاب را به حکومت کوفه، عبدالله بن عباس را به حکومت یمن، قیس بن سعد بن عباده را به حکومت مصر، و سهل بن حنیف را به حکومت شام گمارد و طی نامه ها و دستوراتی وظایف آنها را گوشزد می نمود. (عین القضاء، ۱۳۸۸)

۶.۴ نظارت عمومی و همگانی

نظارت، گاهی رسمی و حکومتی است که از درون حاکمیت بر آن صورت میپذیرد و گاهی غیر رسمی؛ یعنی نظارتی که همه افراد جامعه در آن مشارکت می کنند. این نظارت را نظارت مردمی و عمومی می نامیم.

در خطبه ۳۴ حقوق متقابل مردم و رهبر ذکر شده است:

ای مردم من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید اما حق شما بر من آن است که خیرخواهتان باشم و غنیمت شما را تماماً به شما بدهم، شما را آموزش دهم تا ناآگاه نباشید و تربیت کنم تا بدانید. اما حق من بر شما آن است که به بیعت خود وفادار باشید و در بود و نبودم خیرخواه من باشید و هرگاه شما را می خوانم اجابت کنید و هرگاه فرمان می دهم اطاعت نمایید.

۷.۴ ضابطه گرایی به جای رابطه گرایی

عدم توجه به نزدیکان در تقسیم بیت المال، اجرای عدالت اقتصادی همواره در خطبه ها و نامه ها مورد تأکید بوده است؛ همانطور که در نامه ۴۳ اشاره شد، تقسیم غنائم در میان اهل قبیله و خانواده خود مذمت شده و به تساوی مسلمین در این زمینه تأکید شده است. همچنین در انتصابات نیز ضوابط مبتنی بر احصاء صلاحیت ها حاکم بوده و رابطه گرایی منتفی است.

ایشان اطاعت از افرادی را که برای امارات تعیین می کرد، مشروط به پیروی آنان از دستورات اسلام، قرآن و حق می دانست و در صورتی که تخلف می ورزیدند، آنها را برکنار می کرد. حضرت در هنگام معرفی عبدالله بن عباس به مردم بصره، به عنوان استاندار جدید آنها فرمود:

فاسمعوا له و اطیعوا امره اطاع الله و رسوله فان احدث فیکم اوزاع عن الحق فاعلموا انی اعزله عنکم . پس سخن او را شنیده، دستورش را فرمان برید تا زمانی که او از خدا و

رسولش اطاعت کند. پس اگر در میان شما بدعتی به وجود آورد یا از مسیر حق منحرف شود، مطمئن باشید که من او را از حکومت بر شما عزل خواهم کرد. (ذاکری، ۱۳۸۶)

۸.۴ قانون‌گرایی

قانونمندی و حاکمیت قانون، جوهره و روح حکمرانی خوب است و بدون آن، حکمرانی کالبدی بدون روح، فاقد پاسخگویی و کارآمدی خواهد بود. حضرت امیر(علیه السلام) قانون و حق مداری را ملازم یکدیگر می‌داند و معتقدند که مصلحت‌گرایی ممکن است باعث انحراف از عدالت و دین شود و در راستای قانونمندی و حق‌طلبی در عهدنامه مالک اشتر می‌فرمایند: "حق و قانون را درباره کسی که لازم است اجرا کن، بدون توجه به اینکه آن شخص از نزدیکانت به شمار آید"

حضرت علی (علیه السلام) در فرمان‌های خود به نمایندگانش بارها تذکر داده است که حرکت‌های خویش را، در مسند مدیریت بر محور قانون شکل دهند و به آنان توصیه می‌کرد که در جامعه اسلامی، هرگز نباید ضابطه‌ها در برابر رابطه‌ها رنگ ببازد و اگر چنین شد، صاحبان نام و نان، قانون را اسیر خواسته‌های نفسانی خود خواهند کرد و ضعفا و محرومین حقوقشان پایمال می‌شود. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲)

۹.۴ امانت‌داری و مسئولیت‌شناسی

امانت‌داری از فضایل مهم رفتاری در زندگی شخصی، شغلی و حیات سازمانی است. امروزه امانت‌داری در تمامی حرفه‌ها به ویژه کسب و کار جایگاه راهبردی یافته است. امانت‌داری از مهمترین توقعات افراد در تعامل شغلی است. توصیه به امانت‌داری در آموزه‌های دینی از بسامد برخوردار است. (فرامرزی قراملکی و همکاران، ۱۳۸۶) در برخی روایات امانت‌داری فضیلت‌آمیزترین ایمان توصیف شده و خیانت نیز به عنوان زشت‌ترین رفتار، نکوهیده شده است. (افضل‌الایمان‌الامانه و اقیح‌الاخلاق‌الخیانه) (درایت، ۱۳۷۸) در نامه ۲۶ نیز حضرت(علیه السلام) در وصف اخلاق کارگزاران مالیاتی می‌فرمایند:

کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند خود و دین خود را پاک ساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و

رسواتر خواهد بود و همانا بزرگترین خیانت، خیانت به ملت و رسواترین دغلیکاری، دغلبازی با امامان است

۱۰.۴ پاکدستی و ساده‌زیستی

یکی از عوامل مؤثر بر اصلاح رفتار کارکنان، روش زندگی مدیران عالی سازمانها و رهبران جامعه است. به همین دلیل امام علی(ع) بر ساده زیستی مسئولان و خانواده آنان تأکید می‌ورزند. (الوانی و اسلام پناه، ۱۳۹۷)

حضرت (علیه السلام) در نامه ۴۵ خطاب به فرماندار بصره عثمان بن حنیف در سال ۳۶ هجری که دعوت مهمانی سرمایه داری از مردم بصره را پذیرفت می‌نویسند:

پس از یاد خدا و درود، ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که یکی از سرمایه داران بصره، تو را به مهمانی خویش قراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده اند، اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری؟ پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن.

۱۱.۴ کفاف و قناعت و پرهیز از اسراف

اصل اندازه داری و مصرف متعادل از مهمترین تعالیم علوی در مسیر تحقق عدالت و امنیت محسوب میگردد. حضرت در این باره فرموده است: "لن یهلك من اقتصد": "آنکه به حدّ میانه بسنده کند، هرگز هلاک نگردد." "الاقتصاد یعنی القلیل، الاسراف یعنی الجزیل" میانه روی، کم را زیاد میکنند؛ اسراف، منابع فراوان را نابود می‌سازد. (حکمت ۲۱) همچنین در این زمینه مردم را به قناعت و بسندگی در زندگی که بهترین شیوه‌ها جهت حفاظت، گسترش و توسعه عدالت و امنیت در همه زمینه‌ها قلمداد می‌گردد، فرا می‌خواند: "حسن التدبیر مع الکفاف اکفی لک من الكثير مع الاسراف" تدبیر نیکو یعنی برنامه ریزی اقتصادی با کفاف، برایت بسنده تر است از بسیار داری با اسراف. (یوسف زاده، ۱۳۹۵)

امام (ع) یکی از اهداف اصلی خود را، مبارزه با اسراف و تبذیر و تکاثر و اتراف و غلول و غش در امر بیت المال قرار داد و در بیان سیره و سنت انبیا (ع) و سیره رسول اکرم (ص) و در ارائه الگویی الهی و رفتاری بزرگوارانه و کریمانه، اعلام کرد و بر آن پای فشرد. (دری نجف آبادی، ۱۳۸۶)

۱۲.۴ تهیه اموال از طریق مشروع و حلال

رزق یکی از مهمترین نیازها و دغدغه های بشر از ابتدای خلقت بوده است که شامل هر نوع بهره ای از جانب پروردگار به موجودات می باشد. نحوه کسب رزق آثار تربیتی بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد بر جای می گذارد.

مهمترین اثر تحصیل رزق حلال که در اراده انسان برای اهتمام ورزیدن به ارزش های اخلاقی و تربیتی موثر است، پیروی نکردن از امیال و خواهش های نفسانی می باشد. افراد نسبت به یکدیگر حقوق متقابل دارند که باید رعایت کنند. و بسیاری از مفاسد اقتصادی ناشی از دست اندازی به حقوق دیگران است. افراد جامعه ای که به کسب رزق حلال بپردازند به مال و سرمایه افراد طمع نمی ورزند، چون هر کاری که باعث ضرر به دیگران شود و امنیت مردم، از جمله امنیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن ها را به خطر اندازد و باعث فساد در جامعه شود، حرام است و جرم محسوب می شود. (دهقانی و هادوی، ۱۳۹۵)

در نامه سوم نهج البلاغه وقتی به امام (ع) خبر دادند که شریح بن حارث، قاضی امام (ع) خانه ای به ۸۰ دینار خرید، او را احضار کرده و فرمودند:

به من خبر دادند که خانه ای به هشتاد دینار خریده ای، و سندی برای آن نوشته ای، و گواهانی آن را امضا کرده اند. (شریح گفت آری ای امیرمؤمنان (ع)، امام (ع) نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود: ای شریح، به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند و از گواهانت نمی پرسد، تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد. ای شریح، اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای.

۱۳.۴ پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت شغلی

سوءاستفاده از اختیار به معنای استفاده از اختیار قانونی توسط مقام عمومی واجد آن اختیار است بدون تجاوز از حدود و قلمرو بیرونی آن اختیار، در راستای هدفی به جز هدف مورد نظر مقنن از اعصای آن اختیار. در حقوق عمومی به موجب اصل تناسب مسئولیت با اختیارات مقامات و دستگاه های حکومتی به هر میزانی که دارای قدرت و اختیارات قانونی باشند، به همان اندازه نیز بایستی از لحاظ حقوقی و سیاسی مسئول شناخته شده و تحت نظارت قرار گیرند. سوءاستفاده از اختیارات ملازمه ای بس تنگاتنگ با فساد اداری دارد که در پی اعطای صلاحیت اختیاری بی حد و حصر به مقامات اداری به وجود می آید. (عبدالحمیدی، ۱۳۹۵)

در نامه پنجم نهج البلاغه که خطاب به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان پس از جنگ جمل و در سال ۳۶ هجری در شهر کوفه هشدارهایی مبنی بر اینکه پست های دولتی نباید دستمایه سوء استفاده قرار گرفته و نباید ابزار جمع آوری مالی قرار گیرد، ارائه شده است.

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان بوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروت های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه داد آبی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم. با درود.

۵. جمع بندی راهکارهای پیشگیری و مقابله با فساد اقتصادی در نهج البلاغه

با توجه به آنچه ذکر شد، از دیدگاه نهج البلاغه ای، رفتارهای افراد تحت تأثیر باورها و ارزش های آنها شکل می گیرد. لذا برای اصلاح رفتارهای آنان و سلامت نظام اداری، در گام اول باید نگرش ها و باورهای دینی، از جمله خدامحوری، آخرت گرایی، مسئولیت پذیری، صداقت، و امانت داری را در آنها تقویت کرد. (الوانی و اسلام پناه، ۱۳۹۷)

با توجه به اینکه بخش عمده ای از روش های مقابله با فساد اقتصادی حالت ایجابی و پیشگیری داشته و با انتصابات شایسته و عزل و نصب به موقع بسیاری از مشکلات مرتفع می شود توجه به کارگزاران نظام اسلامی بسیار حائز اهمیت خواهد بود؛ از آنچه نقل شد، درمی یابیم که یک کارگزار اسلامی باید دارای این ویژگیها باشد: مؤمن و

دین‌دار باشد؛ ریاست طلب و دنیاپرست نباشد؛ امانت‌دار باشد؛ خیرخواه مردم و رهبر باشد؛ مورد اطمینان رهبر و حاکم باشد؛ اهل تجربه در کار خود باشد؛ باحیا و عقیف باشد؛ خوش سابقه باشد (سابقه انقلابی داشته باشد)؛ از خانواده‌های صالح باشد که اخلاق خوب و طمع کمتر دارند؛ انتخاب او به وسیله حاکم نباید به جهت علاقه مندی باشد، بدون این که درباره توان و پذیرش او مشورت شده باشد؛ زیرا اگر فردی را که صلاحیت نداشته باشد و قابل پذیرش مردم نباشد در منطقه‌ای مأمور نماید، باعث ستم و خیانت به آنها و حتی ظلم و خیانت به فرد منتخب خواهد شد.

حضرت امیر (ع) افرادی همچون مالک اشتر، محمد بن ابی بکر، عثمان بن حنیف، سهل بن حنیف، قیس بن سعد و فرزندان عباس را برای امارت انتخاب می‌کند، اما از خویشان نزدیک و فرزندان خود کسی را برای امارت بر نمی‌گزیند و زمانی که مالک اشتر به کارگزاری فرزندان عباس اعتراض می‌کند، حضرت جواب قانع‌کننده‌ای به او می‌دهد. (ذاکری، ۱۳۸۶)

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در این مقاله ابتدا همه خطبه‌ها و بعضی از نامه‌ها و حکمت‌های مرتبط در دو محور فساد اقتصادی و راهکارهای نظارتی مقابله با فساد اقتصادی مطالعه و بر اساس واژگان کلیدی مرتبط با موضوع فیش برداری شد. سپس با قرار دادن موارد یافت شده ذیل یکی از عناوین و مصادیق مفاسد اقتصادی و یا راهکارهای مقابله‌ای به طبقه‌بندی موضوعات پرداخته شد.

به طور کلی پایبندی‌های مذهبی و اخلاقی در افراد می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در جلوگیری از فساد اقتصادی و اداری عمل کند. وقتی که این پایبندی‌های مذهبی که نقشی اساسی در پیشگیری از فساد دارند همراه با اخلاق کاری و حرفه‌ای، وجدان کاری، جلوگیری از روحیه‌مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی در افراد باشد بیشتر می‌تواند در کنترل فساد مؤثر باشد.

فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است که شناخت فراگیر این عوامل شرط لازم برای طراحی نظام‌های کنترلی است. تطور در کلام امیرالمومنین (علیه السلام) و همچنین توجه به سیره حضرت (علیه السلام) نکات مهمی

را مشخص می نماید که می تواند در نظام سازی موثر باشد. هم اکنون یکی از نیازهای اساسی نظام اسلامی شناخت مصادیق مفساد اقتصادی و ارائه راهکارهای نظارتی کاهش آن می باشد که این راهکارها گاهی در مقام پیشگیری از فساد مالی است و گاهی در مقام مقابله با فساد مطرح می شود؛ در این مقاله ضمن مرور ادبیات فساد اقتصادی و همچنین موضوع نظارت و کنترل، موضوع اصلی پژوهش که شناسایی مصادیق فساد اقتصادی و طبقه بندی آن و ارائه راهکارهای کنترلی آن مبتنی بر نهج البلاغه می باشد واکاوی شده است.

در مقام احصاء مفساد اقتصادی و طبقه بندی آن، مفساد اقتصادی در شش طبقه با عناوین رانت جویی و امتیاز طلبی، ارتشا، اختلاس، زمین خواری، استفاده ابزاری از بیت المال و عدم اجرای عدالت اقتصادی و تبعیض در ارائه تسهیلات و امکانات ارائه شده است که بعضاً هر کدام از این موارد خود شامل شقوق متعددی است؛ به عنوان نمونه تبعیض در ارائه تسهیلات در جامعه امروزی مصادیق متعددی همچون واگذاری قراردادهای به افرادی خاص، اجرای مناقصات و مزایدات بدون تشریفات قانونی و غیره را شامل می شود.

در ادامه در مقام ارائه راهکارهای نظارتی و مقابله ای در راستای کاهش فساد اقتصادی، سیزده مورد از راهکارهای پیشگیری و مقابله با فساد اقتصادی مبتنی بر آموزه های نهج البلاغه ارائه شده است که می تواند مبنای طراحی نظام های نظارتی قرار گیرد. به طور کلی می توان نهج البلاغه را دربرگیرنده تمام اصول و مولفه هایی دانست که برای حکمرانی خوب لازم است و یکی از زیرسیستم های اصلی حکمرانی خوب، نظام ارزیابی و نظارت می باشد که در این مقاله سعی شد چارچوب کلی آن ارائه شود.

برای تحقیقات آتی پیشنهاد می گردد با توسعه تحقیق به سایر منابع اسلامی، موضوع گسترش یافته و مقوله فساد اقتصادی و راهکارهای احتمالی در آیات و روایات و سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) مورد دقت واقع شود و مدل جامع پیشگیری و مقابله با فساد اقتصادی مبتنی بر آموزه های اسلامی طراحی شود. همچنین می توان مصادیق فساد اقتصادی احصاء شده در این پژوهش را اولویت بندی نمود و بر راهکارهای مرتبط با مصادیق فساد اقتصادی دارای اولویت بیشتر تأکید نمود.

کتاب‌نامه

قرآن کریم؛

ابو الحسن محمد بن حسین، ملقب به سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه و شرح: سید علی نقی فیض الاسلام؛ نهج البلاغه

ابو الحسن محمد بن حسین، ملقب به سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، چاپ سوم، نشر نسیم حیات، ۱۳۸۷

ابو الحسن محمد بن حسین، ملقب به سید رضی، نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، چاپ چهارم، موسسه چاپ الهادی، ۱۳۸۳

آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم (سخنان امام علی (علیه السلام))، منشورات، موسسه الاعلمی للمطبوعات

الوانی مهدی، اسلام پناه مهدی (۱۳۹۷)، طراحی مدل بازدارنده فساد اداری با اتکا به آموزه‌های نهج البلاغه، دوفصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۵

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، ۱۳۹۴، شرح نهج البلاغه، ترجمه غلامرضا لایقی، انتشارات نیستان اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۴) نگاهی به پدیده رانت و رانت‌جویی در ایران، رواق اندیشه، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۴۵، صص ۲۱ تا ۳۴

امام خمینی روح اله، ۱۳۸۹، ولایت فقیه حکومت اسلامی (تقریر بیانات امام خمینی (س))، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۹؛

تسلیمی محمدسعید، ۱۳۷۸، تحلیل فرآیندی خط مشی گذاری و تصمیم گیری، انتشارات سمت ثوابق، جهانبخش، ۱۳۹۱، مبانی و شاخصه های حکومت علوی، پژوهش نامه علوی، سال سوم، شماره دوم، ص ۱-۲۵

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۰، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، گنج دانش. خدمتی ابوطالب، ۱۳۷۹، انواع کنترل و نظارت در مدیریت اسلامی، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳، ص ۱۰۵-۱۱۸

درایتی، مصطفی و حسین، ۱۳۷۸، تصنیف غررالحکم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی دری نجف آبادی، قربانعلی، ۱۳۸۶، مبارزه با فساد در حکومت علوی (ع)، نشریه حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره سوم

دهقانی، روشن، هادوی اصغر، (۱۳۹۵)، آثار تربیتی رزق حلال با تأکید بر آیات و روایات، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال هفتم شماره ۲۴

ذاکری، علی اکبر، (۱۳۸۶)، سیمای کارگزاران علی بن ابیطالب امیرالمومنین (ع) (دوره چهار جلدی)، بوستان کتاب قم

رضائیان علی، ۱۳۸۳، مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات سمت؛ ص ۸

- رضائیان، علی، ۱۳۸۹، *اصول مدیریت*، انتشارات سمت؛ ص ۳
- رضائیان، علی، ۱۳۸۴، *انتظار عدالت و عدالت در سازمان (مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته)*، انتشارات سمت
- سعادت، اسفندیار، ۱۳۸۳، *مدیریت منابع انسانی*، انتشارات سمت
- شاه آبادی، ابوالفضل، جامه بزرگی آمنه (۱۳۹۲)، *نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه*، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۲
- شمس عبدالحمید، ۱۳۸۱، *مقررات زدایی*، انتشارات سمت
- صادقی، حسین، صباغ کرمانی مجید، شقاقی شهری وحید، ۱۳۸۷، *بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد*، نشریه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، شماره ۸۵، ص ۲۰۷-۲۳۶
- عبدالحمیدی، فرزانه (۱۳۹۵)، *سوءاستفاده از اختیارات در پرتو آرا دیوان عدالت اداری*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی محمدحسین زارعی،
- عین القضاة، علی اصغر، ۱۳۸۸، *امام علی (ع) عقلانیت و حکومت*، انتشارات پرتو خورشید
- فرامرزی قراملکی احد و همکاران، ۱۳۸۶، *اخلاق حرفه ای در تمدن ایران و اسلام*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی
- فرهادی نژاد، محسن، لگزبان محمد، ۱۳۹۰، *پیمایشی طولی در زمینه علل فساد اداری و روش های کنترل آن (۱۳۸۱-۱۳۷۸)*، چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۸، ص ۴۵-۶۰
- فلاح سلوکلابی، محمد (۱۳۸۴)، *سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام)*، نشریه معرفت، شماره ۹۳
- کمال الدین، ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۰، *شرح نهج البلاغه ابن میثم*، ترجمه محمدصادق عارف، قربانعلی محمدی مقدم، محمدرضا عطایی، علی اصغر نوایی یحیی زاده و حبیب الله روحانی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۶۷، *قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری*؛ ص ۱
- مردانی، مهدی، ۱۳۹۰، *جایگاه تشویق و تنبیه در مدیریت علوی (علیه السلام) با تأکید بر نهج البلاغه*، النهج، شماره ۳۱
- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۶، *ده گفتار*، انتشارات صدرا
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، *پیام امیرالمومنین (ع)*، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)
- منتظری، غلامرضا، ۱۳۹۰، *شایسته سالاری در دیوان رسائل از نظر تا عمل*، پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال اول، شماره سوم
- موسی زاده زهره، عدلی مریم، ۱۳۸۸، *معیارهای انتخاب و انتصاب مدیران با رویکرد شایسته گزینی در نهج البلاغه*، فصلنامه اندیشه مدیریت، سال سوم، شماره اول

- مهدوی دامغانی، محمود، ۱۳۷۹، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، نشر نی
میرزائی اهرنجانی، حسن، ۱۳۸۶، مبانی فلسفی تئوری سازمان، انتشارات سمت
میرمحمد صادقی حسین، رجبعلی اسلام، ۱۳۹۶، تحلیل جرم زمین خواری از منظر حقوق کیفری ایران،
مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره نود و هفتم
میرمحمدی سید محمد، ۱۳۸۳، الگوی نظارت و کنترل در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، انتشارات
سمت؛ ص ۲
میلانی، علیرضا؛ حبیبی، اصغر؛ ۱۳۹۵، بررسی رانت در اقتصاد ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی،
دوره دوم، شماره ۱
نصر اصفهانی، مهدی، نصر اصفهانی علی، (۱۳۸۹)، شایسته سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر
اندیشه های سیاسی امام علی (علیه السلام)، معرفت سیاسی، سال دوم، شماره دوم،
هیچ، ماری جو، ۱۳۸۷، تئوری سازمان، مدرن، نمادین-تفسیری و پست مدرن، ترجمه حسن دانایی فرد،
نشر افکار
یوسف زاده، محمدرضا (۱۳۹۵)، تبیین جایگاه و اصول رفتار اقتصادی مطلوب از دیدگاه امام علی (ع)،
پژوهشنامه نهج البلاغه، سال چهارم، شماره ۱۶